ناشران

کتاب‌های موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

محمود فاضلی: کتاب «دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران امروز» نوشته محمدرضا تاجیک عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی یکی از کتاب‌های جدیدی است که از سوی موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. از نگاه نویسنده دیرزمانی است که در پی رازگشایی از راز سر به مهری است که چرا انسان حضور دین را به‌رغم تغییرات و تحولات متفاوتی که تجربه کرده است به عنوان یک امر یقینی در زوایای شخصیتی، روانی و اندیشه‌ای خود حفظ کرده است. انسان مدرن و پسامدرن نیز نتوانسته خود را از این دل‌مشغولی دیرینه برهاند، به گونه‌ای که در زمانه ما بسیاری از روشنفکران با بهره جستن از رویکردها و روش‌های مختلف علمی و معرفتی تلاش دارند تا از رهگذر ارائه تعریفی مشخص از چیستی باورداشت‌های دین و چگونگی شکل‌گیری آنان، بدین پرسش پاسخ گویند که «چرا باورداشت‌های مذهبی چنین نقش تعیین‌کننده و دیرپایی در جوامع بشری دارند؟» کتاب «دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران امروز» شامل بخش‌هایی تحت عناوین «دیرینه‌شناسی آگاهی‌ها و تمایلات مذهبی در ایران»، «حکومت‌های دینی حداکثری واقعاً موجود و دردسرهایشان»، «جهانی‌شدن دین و عرفی‌سازی یا قدسی‌سازی»، «شریعتی، دینداری و روشنفکری»، «خاتمی، دین، اجتماع و سیاست»، «روشنفکر دینی، گفتمان و قدرت»، «دین و دموکراسی به سوی یک گفتمان مسلط»، «انقلاب آرام، فراز و فرود ارزش‌های دینی در جامعه امروز دینی»، «اسلام سیاسی»، «وحدت دینی و تکثر سیاسی» و «دینداران و استراتژی قرائت متون دینی» است که در ۲۶۱ صفحه، تیراژ ۲هزار نسخه و با قیمت ۲۵۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

کتاب دیگر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی «جام نو و می کهن» مجموعه مقالاتی است که به کوشش مصطفی دهقان انتشار یافته است. در این کتاب پاره‌ای از مقالات اصحاب حکمت جاویدان جمع آمده و سعی بر آن بوده است که پاره‌ای از نظریات ایشان – از بحث در مابعدالطبیعه و نقد مدرنیته گرفته تا سخن از دین و عرفان و هنر و رمزپردازی – به واسطه آثار خودشان در دسترس خواننده قرار گیرد. در حقیقت آنچه نویسنده را به گردآوری تازه‌ای واداشت به نوعی توجه به همین وجه اخیر بود. به عبارت دیگر این کتاب معرفی جماعت سنتیان است به واسطه آثار خود آنان و نه تاویل فلان نویسنده و فلان منتقد، احتمالاً آنچه از این راه حاصل می‌شود یقین و تجربه خواننده است که با تفسیر شخصی این و آن تفاوت بسیار دارد و خواننده‌ای که بدین گونه به حقیقت ایشان علمی می‌یابد مثل آن است که معلوم را به جای آنکه از روی خبر تصدیق کرده باشد با دست خویش پسوده باشد. مقالاتی که در این کتاب گردآوری شده است آثار سنتیان را دربردارد، اگرچه از نمونه آثار بعضی از آنها خالی است اما باز امید است که تصور بالنسبه روشنی از میراث «حکمت جاودان» به خوانندگان کتاب عرضه می‌دارد و دانشجویان جوان‌تر را همچون راهنمایی باشد به دنیای افکار و احوال ایشان تا نقد و شناخت و ارزیابی درست آنها برای ایشان ممکن شود. با آنکه مقالات این نویسندگان با یکدیگر قرابت بسیار نشان می‌دهد و در واقع همه متعلق به یک مکتب است اما خواننده خواهد دید که از نظر عمق تفاوت بارز دارند. ولی مطمئناً اگر بتوان اصول اعتقادات قوم را از لابه‌لای اذهان و کتب مختلف آنها بیرون کشید در عین حال می‌توان خواننده را به شناخت دیگر سنتیان و آثارشان رهنمون شد. کتاب «جام نو و می کهن» شامل ۲۶ مقاله در زمینه «متافیزیک، نقد مدرنیته، رمزپردازی، هنر و دین و عرفان» است که در ۵۳۹ صفحه، تیراژ ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۵۴۰۰ تومان انتشار یافته است.

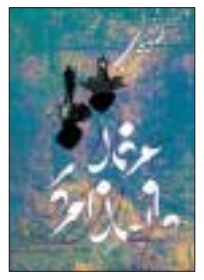

کتاب «عرفان و انسان امروز» موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی که با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران منتشر گردیده است مجموعه گفت‌وگوهایی با تعدادی از شخصیت‌های فرهنگی و علمی در زمینه عرفان است. در این کتاب ۱۶۷ صفحه‌ای مقالاتی همچون بی‌عرفانی، بهتر از عرفان دروغین (دکتر غلامحسین ابراهیمی‌دینانی)، عرفا توجیه‌گر حاکمان غاصب (دکتر یحیی یثربی)، عرفان، معنویت و اخلاق، رقبایی برای دین (دکتر محسن کدیور)، پرسش از امر قدسی ازلی و ابدی (دکتر رامین جهانبگلو)، سنجش اندیشه گذشتگان، اما نه با ملاک‌های دوران مدرن (دکتر شهرام پازوکی)، اخلاق، فصل مشترک عرفان و سیاست (خشایار دیهیمی)، چرا عارفان سیاست گریزند (دکتر ابوالحسن تنهایی)، عرفان، محصول سرخوردگی‌های انسان ناامید (اسفندیار نوایی)، ظهور منجی و گرایش به عرفان در جامعه (دکتر بابک علیخانی)، تعالیم عرفانی در آیینی عینیت‌گرا (دکتر کتایون مزداپور) و تصوف ایرانی، فتیان و جوانمردان (مهران افشاری) ارائه گردیده است. این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۴۰۰ تومان به کوشش مژگان ایلانلو انتشار یافته است.

درباره مجموعه «یونانیان و بربرها»

اگر پارس یونان را شکست داده بود

ویکتور مارتن
ترجمه: قاسم صنعوی

انتشارات توس بیش از یک سال است مجلدات گوناگون مجموعه سترگ «یونانیان و بربرها» نوشته امیرمهدی بدیع را با ترجمه گروه مترجمان روانه بازار نشر می‌کند. نخستین مجلدات این مجموعه در سال ۱۳۸۳ منتشر شد و در روزهای پایانی سال ۸۴ نیز مجلدات دیگری از آن در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. قرار بود این مجلدات در نمایشگاه کتاب عرضه شوند اما از آنجا که انتشارات توس در نمایشگاه شرکت نمی‌کند می‌توانید کتاب‌های این ناشر را با همان تخفیف نمایشگاه از کتاب‌فروشی‌اش واقع در خیابان انقلاب تهیه کنید. مقاله زیر را به منظور آشنایی خوانندگان با مجموعه یونانیان بربرها در ویژه‌نامه کتابخانه شرق منتشر می‌کنیم.

■■■

امیرمهدی بدیع نویسنده ایرانی اخیراً «یونانیان و بربرها» را منتشر کرده که اگر اساس داوری را بر گزارش‌های چاپ شده در مطبوعات قرار دهیم، با استقبال مساعد مواجه شده است. قصد درخور ستایش او اثبات این امر است که پارسیان قدیم، بربر، به معنای عامیانه این کلمه نبوده‌اند. (به علاوه یونانیان کهن نیز مانند تاریخ‌نویسان جدی امروزی چنین نمی‌اندیشیده‌اند.) اما دفاع از نظریه‌اش او را به دنبال خود کشانده تا از برخی وجوه اساسی مسئله غافل بماند یا آنها را نادیده بگیرد.

ما در اینجا فقط مهم‌ترین آنها، یعنی وجهی را که به مقاومت هلنیک در برابر اقوام‌های شرق فاتح معنای واقعی‌اش را می‌دهد، در نظر می‌گیریم.

مذهبی که هخامنشیان از آن پیروی می‌کردند وظیفه گسترش امپراتوری خود در کره خاکی را تعیین می‌کرد. (وظیفه‌ای که به جاه‌طلبی آنان جنبه تقدس می‌بخشید.)

«خدای بزرگ، اهورامزدا است؛ او بزرگ‌ترین خدا و برتر از دیگر خدایان است؛ او است که زمین، آسمان و مردمان را آفریده؛ داریوش را به شاهی رسانده و به داریوش‌شاه چیرگی بر زمین در دورها را اعطا کرده، زمینی که در آن بسیاری خطه‌ها وجود دارد، پارس، ماد و سرزمین‌های دیگری با زبان‌های دیگر، کوهستان و دشت، در این سوی دریا و آن سوی دریا، در این سوی صحرا و آن سوی صحرا.» شاه در بیانیه‌ای که هدفش قانع کردن رعایای کنونی و آینده‌اش از لحاظ توجیه الهی بردگی آنان است چنین ادای مقصود می‌کند. تاییدی درخشان‌تر از این در باب آئین خودکامگی حق الهی نمی‌توان تصور کرد. از لحاظ سیاسی، از آن نتیجه گرفته می‌شود که هیچ قومی حق استقلال ندارد. به نظر شاهی که در شوش بر تخت جلوس کرده، هر قومی ناگزیر است با نخستین اخطار، اظهار فرمانبری کند و سلطه پارس را که خدا خواسته است بپذیرد. در غیر این صورت به مثابه رعیتی طغیان کرده در نظر گرفته می‌شود که نوید داده شده، دیر یا زود، گرفتار انتقام پادشاهی خواهد شد. این قوم چون به ضرب شمشیر شکست خورد، بسته به میل فاتح که می‌تواند تمامی‌شان را به قتل برساند، یا بخش عمده‌ای را نابود کند، تبعیدش کند، به بردگی بکشاند یا در شرایط رعیتی به گونه‌ای که خوش دارد به آن تحمیل کند، باقی بدارد. بقای واحدهای سیاسی مستقل برای فرمانروایانی الهام گرفته از این چنین آئین‌هایی غیرقابل تحمل است. این آئین، آنان را ناگزیر می‌کند که سراسر دنیا را به تدریج که کشف می‌شود تسخیر کنند و آنان را از اینکه با قوم‌های بیگانه روابطی قراردادی که به موجب پیمان‌هایی مشخص شده باشد منع می‌کند؛ آنان فقط می‌توانند به طور یک‌جانبه و بسته به میل خودکامگی‌شان، الطافی مرحمت کنند. هیچ یک از به اصطلاح پیمان‌های منعقد شده بین هخامنشیان و قدرت‌های بیگانه که روایت از آنها یاد می‌کند از انتقاد مصون نیستند. چنین برداشتی از روابط بین‌الملل به کلی مخالف برداشت یونانیان است. برای آنان اشتیاق تسلط بر جهان، رویای زاده شده در کرانه‌های نیل و فرات و از آنجا سرایت کرده به پارس، امری بر خلاف عادت است، محصول افراطی است که گاه جامعه یا فردی را کور می‌کند، کیفر الهی را به زیان محکومان برمی‌انگیزد. همین اعتقادهای عمیقاً ریشه دوانده در ضمیر رزمندگان ماراتن، ترموپیل و سالامیس است که آنان را به شور درمی‌آورد. موضوع نبرد روشن است. حق هر یک از شهرهای یونانی بود که بسته به دهاء خاص خود با آزادی و در صورت امکان با توافق شهرهای مشابه خود، پیشرفت کند. پیروزی آنها این اصل را که اروپا عمقاً از آن زندگی می‌گیرد، نجات داد. همچنین شکوفایی تمدن آتنی در قرن پنجم را که آفرینش‌هایی که یکی از عوامل اصلی تمدن غربی را پدید می‌آورد ممکن کرد. شرق‌شناسان که به لیبرالیسم نسبی هخامنشیان و احترام آنان به مذهب رعایای مختلف خود استناد می‌جویند، برای نتایج پیروزی احتمالی پارس کم بها قائل می‌شوند. این دسته از دانشمندان از یاد می‌برند که آتن به کرات اتمام حجت‌های پارس را رد کرده و نسلی که در حدود ۴۸۰ زاده شده، امکان داشت از لحاظ جسمی نابود شود و در آن صورت شاید سوفوکل، اوریپید و سقراط چشم به جهان نمی‌گشودند یا اینکه در دوران خردسالی به بین‌النهرین تبعید می‌شدند و در آنجا نمی‌توانستند محیطی مناسب رشد نبوغشان بیابند. اگر برخلاف هرگونه عدم احتمال، بخواهیم بپذیریم که در آن صورت آتن و مردمش باقی می‌ماندند، این امر نیز به هر حال از روح مدنی و آزادی که بدون آنها خلاقیت‌های بزرگ قرن پنجم غیرقابل تصورند، ناشی می‌شد. بدون وجود این شرایط لازم، از دموکراسی مستقیم، از تراژدی‌های اوریپید و سوفوکل، از کمدی‌های آریستوفان، از مکالمات سقراط و جنبش سوفسطاییان نمی‌شد تصوری یافت. پیروزی پارس، ولو مدت خیلی درازی دوام نمی‌آورد، به نحو جبران‌ناپذیر، تمامی این شکوفایی را که امروز به میراث فرهنگی ما تعلق دارد و اصالت ما را می‌سازد، به خطر می‌انداخت. باری، اگر چیزی آشتی‌ناپذیر با نظام سیاسی هخامنشیان وجود داشته باشد، همان وطن‌پرستی و آزادی است. آندره زیگفرید خطا نمی‌کرد که می‌گفت ماراتن باید برای ما زیارتگاهی باشد، نه برای اینکه به آن برویم تا لعن و نفرین نثار پارس هخامنشی کنیم (و این احساس بسیار بیگانه با آن روح جهان‌وطنی بود) بلکه برای آنکه به شناخت خود از ارزش‌های اروپایی و انسانی که با فداکاری رزمندگان سال ۴۹۰ پیش از میلاد نجات یافتند، طراوت بخشیم. مقاومت آنان که ده سال بعد به نحوی پیروزمندانه در سالامین و پالاته بر آن مهر تایید نهاده شد، برای اروپا و در خلال آن برای جهان، حادثه‌ای با نتایج بی‌پایان است و شایسته آنکه سیمای نمادی به خود بگیرد. این را باید گفت، اما جنبه‌های مثبت تمدن ایرانی را نیز نباید از یاد برد. ولی باید خاطرنشان کرد اگر فدراسیون جمهوری‌های آزاد که یونانیان مشتاقش بودند و به آن دست نیافتند، امروزه هم آرمان ما از اروپا است، کوشش‌های صلح‌طلبانه جهانی به شیوه پارس، ضمن آنکه رنج‌های بی‌پایان به بار آورده‌اند، همواره در خون و خرابی از پای درآمده‌اند.

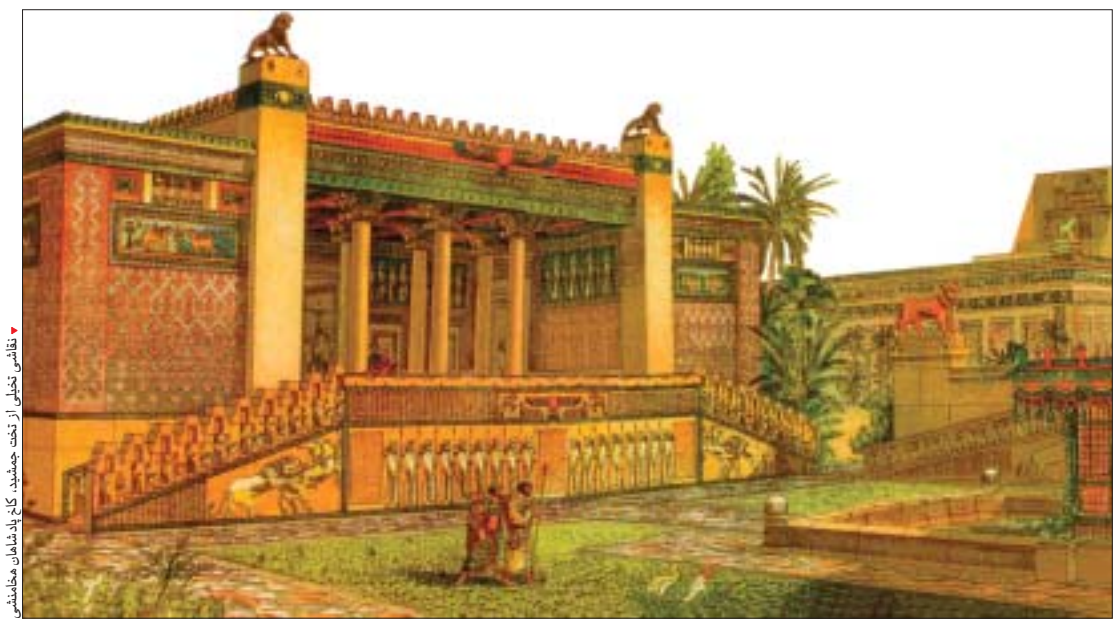

نقاشی تخیلی از تخت جمشید کاخ پادشاهان هخامنشی

تازه‌های انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پژوهش‌های بنیادین

شرق: در نمایشگاه امسال اگر به غرفه سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سر بزنید، کتاب‌های قابل تاملی برای خرید خواهید یافت. این سازمان چندی است مقالات نشریات را که توسط وزارت فرهنگ در سال‌های قبل و بعد از انقلاب منتشر شده‌اند، تجدیدچاپ می‌کند. تجدیدچاپ شماره‌های مختلف فصلنامه «ارغنون»- که بعضاً سال‌ها بود بین دانشجویان فلسفه و علوم اجتماعی به عنوان کالای «نایاب» دست به دست می‌گشتند- امسال در نمایشگاه کتاب عرضه شده است و می‌توانید با خیال راحت هر شماره از «ارغنون» را که نیاز دارید تهیه کنید. «فرهنگ عاشورا» عنوان کتاب دیگری از این ناشر است که در قطع بزرگ و با جلد گالینگور به قیمت ۱۶۰۰۰ تومان عرضه شده است. «فرهنگ عاشورا» در واقع دایره‌المعارف کلیه نام‌ها، جای‌ها و خلقیات مربوط به عاشورا است. این کتاب را سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، مهدی وحیدی‌صدر و سعید سپهری‌نیک نوشته‌اند و فرهاد طاهری آن را ویرایش کرده است. به عنوان نمونه‌ای از مداخل این فرهنگ به سراغ واژه‌ای کمترآشنا برویم. ذیل مدخل «ریحانه» آمده است: «کنیز متوکل عباسی. او کنیزی نامشروع و حبشی بود. پس از آنکه این کنیز مرد متوکل به خاطر علاقه به او دستور داد تا برایش مقبره‌ای باشکوه بسازند و این در زمانی بود که متوکل دستور داده بود تا قبر حضرت سیدالشهدا(ع) را با گاوآهن شخم بزنند و آب نهر علقمه را بر روی آن جاری سازند و بر روی آن زراعت کنند تا دیگر اثری از آن به جا نماند. یکی از شیعیان که ناظر این واقعه دردناک بوده شعری بدین مضمون سرود:

ایحرث بالطف قبر الحسین
و یعمر قبر بنی الزانیه؟!

آیا سزاوار است که قبر حسین بن علی(ع) را شخم بزنند در حالی که قبر زنازادگان را تعمیر و مرمت می‌کنند؟!»

کتاب دیگر انتشارات وزارت ارشاد کتابی است در همان قطع بزرگ و البته این بار با کاغذ گلاسه و چاپ تمام‌رنگی به نام «معماری خانه‌های ایرانی» نوشته دکتر فاطمه کاتب. «معماری خانه‌های ایرانی» شش فصل دارد: معماری در ایران باستان (دوره پیش از اسلام، دوره اسلامی، سبک خراسانی، سبک رازی، سبک آذری و سبک اصفهانی)، ویژگی‌های معماری ایرانی (اصول معماری ایرانی، ماهیت معماری ایرانی، آرایه‌ها و تزئینات، شکل خانه‌های نخستین، تحولات و تاثیرات)، پیشینه تهران (تهران قدیم، توسعه تاریخی تهران، پیش از دوره قاجار، دوره قاجار، ابتدای دوره پهلوی)، محله در تهران (طراحی شهر و محله، محله، عودلاجان، محله عودلاجان، خانه‌های مسکونی دوره قاجار)، تجزیه و تحلیل خانه‌های سنتی (اصول کلی، ورودی، عناصر ورودی، جهت نور خورشید، سازماندهی اتاق‌ها، مراحل ساخت خانه، چند تفاوت مهم خانه قاجاری با خانه پیش از آن) و نمونه خانه‌ها و بناهای عمومی تمدن. کتاب مشحون از تصاویر و عکس‌ها است و در انتهای آن نیز بخشی با عنوان «تصاویری دیگر از تهران قدیم» وجود دارد. پیشگفتار کتاب را پروفسور تام می‌یود از دانشگاه UCE به تاریخ ژانویه ۲۰۰۵ نوشته است. در این پیشگفتار می‌خوانیم: «اهمیت این کتاب در کامل بودن تحقیق و ماهیت گسترده زمینه این پژوهش است. این کتاب پیوند چشم‌گیری بین تاریخ، معماری، هنر تزئینی و برنامه‌ریزی‌های شهری ایجاد می‌کند. اثر حاضر به ویژه برای کسانی مثل من که از تاریخ ایران آگاه هستند و از معماری ایران نیز چیزهایی می‌دانند، اما منبعی که این جنبه‌های مختلف را به شکلی معقولانه و منطقی کنار هم قرار دهد در دسترس ندارند، بسیار سودمند است. در حال حاضر این منبع در اختیار علاقه‌مندان و پژوهندگان است و من مطمئن هستم که اثر دکتر کاتب به محققان این رشته کمک‌های بسیار ارزشمندی می‌کند.»

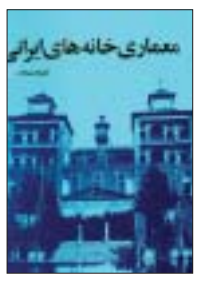

یکی دیگر از کتاب‌های انتشارات وزارت ارشاد «توحید در ادب فارسی» نام دارد و نویسنده آن مهدی دشتی است. این کتاب چهار فصل دارد: مباحث مقدماتی، توحید در ادب فارسی، بررسی مسائل توحید بر مبنای مکتب اهل بیت(ع) و پرسش‌ها و پاسخ‌ها. از نگاه نویسنده کتاب «ادبیات فارسی، به ویژه بخش کلاسیک آن از حیث ساخت معنایی به شدت متاثر از فرهنگ اسلامی است. منتها این فرهنگ در همه جا اصیل و زلال نیست بلکه در اثر تحولاتی که پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) رخ داد، عناصر و دیدگاه‌های بسیاری بدان راه یافت و با آن ممزوج شد که شناخت اصل را به طور جدی به مخاطره انداخت تا آن حد که گاه عناصر دخیل، اسلامی شناخته شد و عناصر اسلامی به کناری نهاده شد و کار به جایی رسید که امروز برای شناسایی دقیق متون ادب فارسی و تشخیص اصیل از دخیل نیاز به تلاشی فوق‌العاده است. در این راستا هدف از این نوشتار نیز:

اولاً توجه دادن بیشتر به ساحت معنایی ادبیات فارسی است که به گمان این بنده تا حدودی مورد بی‌مهری واقع شده است.

ثانیاً شناسایی نحوه حضور و جلوه مهم‌ترین اصل اسلامی (توحید) در عرصه ادب فارسی است. ثالثاً تشخیص عناصر اصیل از دخیل در این عرصه مهم است بر مبنای مکتب اهل بیت.»

در پایان باید به یک کتاب قدیمی هم اشاره کرد که چاپ هشتم آن در نمایشگاه کتاب عرضه شده است: «آئین دادرسی کیفری» نوشته دکتر محمود آخوندی. این کتاب سه جلد دارد و در تیراژ ۳۰۰۰ نسخه روانه بازار نشر شده است.

ادامه از صفحه ۲۵

اگر به راستی تفاوتی بنیادی بین انسان‌ها وجود می‌داشت و اگر به همان اندازه که میان آنان تفاوت هست، دارای مشترکات نبودند، آنگاه سخن از قیاس‌ناپذیری فرهنگ‌ها و نبودن معیار مشترک برای ارزیابی آنها موجه می‌بود. اما وجود این مشترکات، به ما اجازه می‌دهد فرهنگ‌ها را برحسب چگونگی پاسخی که به نیازها و خواست‌های مشترک انسانی می‌دهند ارزیابی کنیم. اگر جان شیرین خوش است در همه فرهنگ‌ها خوش است و اگر انسان‌ها آزادی و برابری را بر اسارت و تبعیت و فروتری ترجیح می‌دهند برای همه انسان‌ها چنین است. مثلاً نمی‌توان مدعی شد که «اصولاً» بعضی فرهنگ‌ها گرسنگی را بر سیری ترجیح می‌دهند و اصرار بر اینکه باید به سمت رفاه اقتصادی بروند نوعی تحمیل فرهنگی است.

اینکه تفاوت‌های فرهنگی از تفاوت‌های شرایط و موقعیت‌های تاریخی جوامع مختلف سرچشمه می‌گیرند علت‌یابی چگونگی تکوین فرهنگ‌ها است نه توجیه آنها. ما می‌توانیم بگوییم چنین شرایطی به ناچار باید چنین فرهنگی می‌آفریده اما نمی‌توانیم بگوییم اینکه آفریده شده لزوماً خوب و تاییدپذیر است. اگر شرایط سخت اقلیمی در سرزمینی فرهنگی متکی بر خشونت و ستمگری و استبداد و تبعیض بیافریند آن واقعیت این پدیده‌ها را توجیه نمی‌کند و به آنها ارزش نمی‌بخشد. آن شرایط شرایطی مطلوب و آرمانی نبوده‌اند و فرهنگی هم که از دل آنها زاده شده نمی‌توانسته مطلوب و آرمانی باشد.

به دلیل همین منوط بودن به شرایط، فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند. چراکه شرایط تاریخی ثابت نیستند و با تحول آنها فرهنگ‌ها هم دچار تحول می‌شوند. پس نمی‌توانیم از یک فرهنگ چینی ثابت یا یک فرهنگ ایرانی ثابت یاد کنیم. آیا ما پیش از اسلام و پس از اسلام و در زمان قاجاریه و امروز همیشه یک فرهنگ ثابت داشته‌ایم؟ فرهنگ ایرانی کدام‌یک از اینهاست؟ فرهنگ، دائماً در حال تغییر و تحول و به‌دستان است و پیوسته عناصری به آن وارد و عناصری از آن حذف یا تضعیف می‌شوند.

چگونه می‌توان گفت فلان کار در این فرهنگ درست و در فرهنگ دیگر نادرست است وقتی که هیچ یک از این دو فرهنگ خصلت ثابت و پایدار تغییرناپذیری ندارند؟

نسبی‌گرایی در فرهنگ باعث می‌شود ما حتی به تکامل فرهنگی جوامع توجه نکنیم. جامعه‌ای بدوی که در مرحله گردآوری خوراک یا شکار زندگی می‌کند و جامعه‌ای پیشرفته که دانشگاه و کارخانه و سینما دارد فقط دو فرهنگ متفاوت نیستند، یکی متکامل‌تر از دیگری است. نمی‌توان به عنوان تکثرگرایی فرهنگی و مراعات فرهنگ‌های دیگر با این هر دو برخوردی یکسان داشت و برتری یکی بر دیگری را ندید و حتی گاه اولی را به عنوان تجمع «وحشیان نجیب» برتر از جامعه پیشرفته شمرد. اگر فرهنگ را میراثی بدانیم که از گذشته تاریخی بشر نصیب او شده بدیهی است که جامعه پیشرفته امروز از میراث پربارتری برخوردار است و به همین دلیل در سطح فرهنگی بالاتری قرار دارد. تجربه تاریخی بشریت در همه زمینه‌ها در این جامعه جمع شده و در آن جامعه دیگر هنوز حاصل نشده پس چگونه می‌توان برای این دو منزلتی یکسان قایل شد. و نباید تصور کرد که آنچه در جامعه پیشرفته حاصل شده فقط ترقی مادی و اقتصادی بوده است. غنای معنوی آن نیز از جامعه‌ای که در آن تازه ساده‌ترین مفاهیم اولیه دارند شکل می‌گیرند و ذهن‌ها جز از ساده‌ترین تجربه‌ها و مفهوم‌ها خالی است بس بیشتر است. آدم‌ها در جامعه پیشرفته‌تر آگاه‌تر شده‌اند، خود را و دیگران را بهتر شناخته‌اند، تجربه‌های اجتماعی بیشتری را از سر گذرانده‌اند، حقوق خود را بیشتر شناخته‌اند، اینها کافی است برای آنکه از فرهنگ بالاتری برخوردار باشند. بسیاری از تفاوت‌های فرهنگی که می‌بینیم از مقوله تفاوت بین فرهنگ پیشرفته‌تر و عقب‌مانده‌تر است و نمی‌توان به عنوان نسبی‌گرایی آنها را همتراز کرد، مگر آنکه از بنیاد منکر وجود چیزی به نام پیشرفت باشیم که آن بحثی دیگر است.

گذشته از آنکه فرهنگ یک جامعه در طول زمان چیز ثابتی نیست، در درون هر جامعه نیز وحدت فرهنگی تام وجود ندارد. فرهنگ هر جامعه مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌ها است، که بعضاً تفاوت‌های ریشه‌ای با یکدیگر دارند و گاه با فرهنگ‌های بیرونی نزدیکترند تا فرهنگ خودی. کلیت یکپارچه‌ای به نام فرهنگ یک جامعه وجود ندارد. شاید آنچه به آن وحدت می‌بخشد یک شباهت خانوادگی است نه یک وجه مشترک عام.

پس هنگامی که می‌گوییم فلان کار بر حسب فرهنگ فلان جامعه صحیح است از کجا می‌دانیم که آیا همه آحاد آن جامعه با معیار و نگاه واحدی به آن می‌نگرند؟ فرهنگ مسلط همیشه با پذیرش و انتخاب آگاهانه و داوطلبانه و صمیمانه مسلط نمانده است بلکه گاه از سر عادت یا ناچاری یا ناآگاهی بدان تن داده‌اند و گاه نیز که به راستی آن را پذیرفته‌اند این ناشی از نوعی القا و دستکاری (manipulation) بوده است تا آنچه بر پایه خواست و پسند بخشی از جامعه شکل گرفته است همچون خواست و پسند تمامی جامعه جلوه کند.

البته آنچه در مورد همگن نبودن و ثابت و پایدار نبودن فرهنگ جوامع گفته‌ایم به معنای نفی هویت فرهنگی نیست. با وجود همه تحولات فرهنگ‌ها، ایرانی بودن و چینی بودن و اروپایی بودن عبارت‌های بی‌معنایی نیستند. با هم زیستن و کنار هم زیستن و شرایط طبیعی و تاریخی همانندی را از سر گذراندن به طور گریزناپذیر مشترکات و قرابت‌هایی را هم می‌آفریند که سازنده هویت فرهنگی هستند کما اینکه حتی مشترکات جسمانی هم میان آنان می‌آفریند که اکتسابی و ناشی از زندگی در محیط مشابه هستند. همان گونه که من یا شما با وجود تمام تغییراتی که در طول عمر از سر می‌گذرانیم و با وجود اینکه امروز دیگر هیچ یک از سلول‌های زمان تولد خود را همراه نداریم هویت ثابتی داریم و «همان» شخص هستیم، فرهنگ‌ها هم با وجود همه دگرگونی‌ها و جذب و دفع‌ها دارای هویت هستند و همچنان می‌توانیم از «ما» سخن بگوییم گرچه این ما همان مای بیست قرن پیش نباشد.

سخن ما این بود که فرهنگ و عناصر فرهنگی می‌توانند بهتر و بدتر، برتر و فروتر، درست یا نادرست باشند و می‌توان براساس واقعیت‌ها و معیارهای عقلانی در این باره قضاوت و بحث کرد و موضوع فقط سلیقه و خوشداشت و پسند شخصی نیست. اما این بدان معنا نیست که می‌توانیم یا حق داریم آنچه را درست می‌پنداریم به زور بر دیگران تحمیل کنیم و آنان را وادار به پیروی از فرهنگ «درست» سازیم. فرهنگ‌پذیری امری تدریجی و آزادانه و عاری از اکراه و اجبار است و تا زمینه مساعد اجتماعی و ذهنی برای آن فراهم نباشد رخ نمی‌دهد.

درباره فرهنگ می‌توان قضاوت کرد اما نباید تحمیل کرد و در واقع برخی از کسانی که از نسبی‌گرایی فرهنگی دفاع می‌کنند به دلیل این نگرانی است که مخالفت با نسبی‌گرایی به معنای تائید تحمیل فرهنگی باشد.

ادامه از صفحه ۲۵

آدم‌ها خیال می‌کنند وقتی کتاب کوچک است یا اسمش این است که «مقدماتی» است، بنابراین ترجمه‌اش هم ساده‌تر است و هر کسی از عهده آن برمی‌آید. من می‌خواهم بگویم که این جا یک اشتباهی شده است. ترجمه چنین کتاب‌هایی هم دشوارتر است و هم اهتمام بیشتری می‌خواهد چون این آشنایی مقدماتی باید به صورتی ترجمه شود که خواننده به زحمت نیفتد. خواننده باید بتواند چنین کتابی را آسان بخواند و موضوع برایش جذاب و شیرین شود. البته این نکته نافی ضرورت ترجمه شدن کتاب‌های اصلی نیست. ولی مجموعه شرایط فرهنگی اجازه نمی‌دهد که ما این کار را بکنیم. مجموعه شرایط فرهنگی متشکل از چند عامل است. یکی این که همان‌طور که خود شما هم اشاره کردید، مترجم قابل اعتمادی که بشود ترجمه‌اش را خواند و فهمید کم است. خب تاوان این را که ما نمی‌توانیم بدهیم. باید صبر کنیم تا به تدریج وضع ترجمه و مترجمان بهتر شود. شاید اصلاً در همین مجموعه یا در مجموعه کارهایی که من کرده‌ام یکی از اهداف الگوسازی برای مترجمانی بوده است که قصد دارند نمونه‌ای برای مرور شیوه ترجمه داشته باشند. وقتی چهل- پنجاه کتاب با معیارهای خاص و تکنیک‌های خاصی ترجمه شده باشد، این می‌تواند الگوی مناسبی به جوان‌ترها ارائه کند. من مطمئنم حتی اگر این مسئله از دیده‌ها پنهان باشد، باز در لایه‌های عمیق‌تر اجتماع کار می‌کند و به همین خاطر است که با این که ما امروزه هنوز ترجمه‌های بد کم نداریم ولی تعداد ترجمه‌های خوب‌مان قطعاً بیش از یکی دو دهه پیش است. این یعنی که به جلو حرکت کرده‌ایم و سطح ترجمه‌مان بهتر شده است. دومین عاملی که مانع ترجمه شدن کتاب‌های اصلی می‌شود این است که ترجمه کتاب‌های اصلی واقعاً زمان بسیار زیادی می‌طلبد و بخش خصوصی توانایی این را ندارد که روی آنها سرمایه‌گذاری کند. بخش دولتی هم که الحمدلله از این وادی به دور است. خود من اگر بخواهم به خاطر دل خودم ترجمه کنم تا چیزی به خودم هم اضافه شود، ترجیح می‌دهم به جای آن که کتابی درباره راولز ترجمه کنم، کتابی از خود او ترجمه کنم. اما کتاب‌های original واقعاً برای چند نفر قابل مطالعه هستند؟ ما هنوز پایه لازم برای مطالعه کتاب‌های اصلی را نداریم. فرض بفرمایید اگر یکی از کتاب‌های اصلی راولز ترجمه شود شاید فقط ۱۰۰ نفر بتوانند از آن استفاده واقعی بکنند. به دلیل همین تیراژ پائین است که بخش خصوصی هم نمی‌تواند در این کار سرمایه‌گذاری کند. ما مقدمتاً باید پایه‌ها را فراهم کنیم تا بعد ترجمه متون اصلی هم برای ناشران خصوصی مقرون به صرفه شود. به هر حال در ترجمه هر کدام از این کتاب‌های مقدماتی دستگاه فلسفی فیلسوف مورد بحث باید به فارسی ترجمه شود و اصطلاحات اصلی آنان معادل‌گذاری شود. اینها همه به گنجینه ما اضافه می‌شود و بنیان‌های ما را قوی می‌کند. در شرایطی که پایه‌های ما تا این حد ضعیف است این کارها تاثیر قابل توجهی خواهد داشت. من گاهی حتی با دانشجویان دکتری که مواجه می‌شوم باز می‌فهمم که پایه‌ها آنقدر ضعیف است که نمی‌توان به سراغ متون اصلی یا جدل‌های ظریف فلسفی رفت.

در خصوص وظیفه و رسالت مترجم که شما به آن اشاره کردید، باید بگویم از یک مترجم نمی‌توان بیشتر از یک مترجم انتظار داشت. یک مترجم شاخ غول نمی‌تواند بشکند، انقلاب فرهنگی نمی‌تواند به پا کند، و فقط می‌تواند با صبر و طاقت ذره‌ذره خلاءها را پر کند. من در واقع کتاب‌ها را با این هدف ترجمه می‌کنم که فرهنگ عمومی را ارتقا بدهند، یعنی حتی بچه‌هایی که فقط دیپلم گرفته‌اند یا سال اول دانشگاه هستند هم بتوانند از آنها استفاده کنند. برای همین تعجب می‌کنم که گاهی می‌بینم این کتاب را دارند در دوره دکتری تدریس می‌کنند. این جا من چه می‌توانم بکنم؟ این کتاب‌ها که قرار نیست جای متون تخصصی برای خوانندگان متخصص حرفه‌ای را بگیرند. این کتاب‌ها آمده‌اند تا بستر را آماده کنند. اما باید کمی صبر داشت. وقتی دستگاه آموزش و پرورش یا دستگاه آموزش عالی اصلاً اعتنایی به این مسائل ندارد، نمی‌توان از یک مترجم انتظار داشت که یک تنه ضعف آن دستگاه عریض و طویل را مرتفع سازد. الان برای من دو چیز از همه چیز مهم‌تر است. یکی این که شوق افراد برای رفتن به دل این مباحث و مسائل را از طریق این نوع ترجمه‌ها بیشتر کنم. دوم این که با بالا بردن این شوق، فشاری را از طریق بدنه به سیستم‌های آموزشی وارد کنم برای این که خودشان را اصلاح کنند. اگر دانشجو یک حدی از سواد پایه‌ای را کسب کرد، دیگر قناعت نخواهد کرد به این که استاد بیاید سر کلاس و جزوه‌ای ساده بگوید تا بقیه رونویسی کنند.

■توپ را انداختید در میدان من و به نظر من این از محالات است. ورودی دانشگاه‌ها آنقدر زیاد و تصادفی است و میل دانشگاه‌ها به این که دائم فارغ‌التحصیل تولید کنند آنقدر بالاست که آرزوی شما شاید از محالات باشد.

نه، اینطور نیست. فقط صبر می‌خواهد. البته شاید من بیشت